

پایگاه‌های یک متعلقه فوتبال=۳→

امیر صدیقی



آلمان مدعی؟ فکر نمی‌کنم



بازی آخر روز سوم پرگل‌ترین بازی جام تا اینجاى کار بود (تا پایان روز سوم البته)، اما در جایی که فکر گلزنی به چشم می‌آید بازی پرگل آلمان و استرالیا اصلاً جواب از کار درنیامد. فوتبال وقتی جذاب است که رقابت داشته باشد، خطرها روی هر دو دروازه شکل بگیرد و گل‌ها هم همین‌طور، برای همین است که بازی چهار بر صفر یا حتی بازی ۲۳ بر صفر هیچ وقت بازی جذاب و تماشاگرپسندی نخواهد بود. در این جور بازی‌ها اگر طرقدار تیم برنده نباشی قاعدتاً دعا می‌کنی تیم بازنده گل بزند و فاصله را کم کند یا حداقل کمتر گل بخورد و تحقیر نشود، اما در بازی آلمان و کانگوروها این اتفاق نیفتاد تا وقتی که بازی تمام شد حس خوبی نداشته باشم و فکر کنم گل‌هایی که دیده‌ام گل‌های تلخی بوده‌اند. اگر گلی را که الجزایری‌ها خوردند مستثنی کنیم این چهار گل بدترین و تلخ‌ترین گل‌های جام تا اینجاى کار بودند.

احتمالاً پیش‌بینی بسیاری از کارشناسان پس از این بازی این خواهد بود؛ «آلمان، مدعی بزرگ جام». اما به نظر من این پیش‌بینی فقط ناشی از احساس و هیجان و ذوق‌زدگی بازی اول است و آلمان را هنوز مدعی بزرگی نمی‌دانم، البته ژرمن‌ها در بازی اول بسیار هماهنگ نشان دادند و میزان اشتباه در آنها بسیار پایین بود، مردان باتجربه آنها موثر بازی کردند و جوان‌های آنها هم فراتر از انتظار بودند، اما فراموش نکنید که در روزهای خوب فوتبال آلمان روز بد فوتبال استرالیا رقم خورد و در واقع همه چیز این‌گونه رقم خورد که آلمان‌ها مقتدرانه به پیروزی برسند. اما فقط به یک نکته وقت کنید: میانگین سنی زرد و سبزها – کنتا ساکروس‌ها – در این بازی ۳۰ سال بود و پاشنه آشیل استرالیا یعنی قلب دفاع و دروازه‌بان آنها روی هم ۱۰۸ سال سن داشتند (شواترز ۳۹ ساله، لوکاس نیل ۳۹ ساله و کرگ مور ۲۶ ساله). دو مدافع میانی باتجربه اما کند استرالیا در این بازی بارها و بارها در آفسایدگیری دچار اشتباه شدند. در اکثر مواقع تنها کاری که آنها انجام می‌دادند بلند کردن دست به نشانه آفساید بود و پس و بارها هم جا ماندند تا مهاجمان آلمان – که نه خیلی سرعتی هستند نه خیلی تکنیکی – با تکیه بر حرکات ساده و حداکثر یک و دوهای ساده به راحتی موقعیت گل خلق کنند و چهار گل هم بزنند. در این بازی به نظر می‌رسید آلمان در همه یس‌ت‌ها بازیکنان آماده و مناسبی دارد و از لحاظ هماهنگی هم فوق‌العاده است اما واقعیت این است که نویر یی تجربه دو ضرب‌گیر است و در خروج‌هایش مطمئن نیست، مر ته ساکر و فریدریش در مقابل مهاجمان تکنیکی و سریع به مشکل می‌خورند و شواین اشتایگر هنوز نمی‌تواند یک طراح کامل در میانه میدان باشد و سامی خدیرا هم فاقد آن ویژگی‌های لازم برای شکستن خطوط دفاعی است و کلوزه را گومز هم در شرایط فعلی گلزنان بالقهره نیستند. آیه نظر من فیلیپ لام، مسعود اوزیل، توماس مولر و کاتانو نقاط قوت سفید و سیاه‌ها هستند. از مجموع آلمان در مقابله با سلاطین پاس – اسپانیا و برزیل – با در مقابله با تیمی با بازیکنان تکنیکی و دریل‌زن مثل آرژانتین و هلند و حتی در مقابل انگلستان که هافبک‌های مقتدر و گوش‌های سریع دارد به مشکل بروخواه خورد، صبر کنید و ببینید!

نکته: «در فوتبال تا اشتباهی صورت نگیرد گلی به ثمر نخواهد رسید.» این جمله را حتماً زیاد شنیده‌اید اما به نظر تان در این جام جهانی اشتباه‌های یگانه بیش از حد نیست؟ جدا از استرالیایی‌ها که مجموعه کاملی از اشتباهات را ارئه دادند اشتباه یگانه رابرت گرین و شالوشی دروازه‌بان‌های انگلستان و الجزایر که سرنوشت بازی را رقم زدند و اشتباه‌های یگانه عبدالقادر غزال و الکساندر لوکویچ – که به اخراج آنها انجامید و به صورت غیرمستقیم روی نتیجه بازی تاثیرگذار بود – و اشتباهات یگانه کوچمانوویچ سرب در هدیه دادن یک پالتی به غنای و بیشتر مدافع یونان در تقدیم توپ به پارک جی سونگ – که به گل دوم کرای‌ها انجامید – هم آقد کودکانه بودند که فعلاً گل جام را تحت تاثیر قرار داده‌اند، فعلاً که این جام اشتباهات است.

طوفان →

امیرقیان فرهمی

افشاگری سوسن خانوم

سالار که با اخراج ساسان از تیم دیگه می‌تونست با خیال راحت در جام جهانی همزمان با افتخار سرمربی بودن، پیراهن شماره ۱۰ رو هم بر تن کنه، تمرینات نیم محل رو دور از چشم خبرنگاران خارجی و از صبح بعد از جلسه استیناف با جدیت شروع کرده بود. سالار جان در مصاحبه با بولتن محل اعلام کرده تیم از نظر بدنسازی در شرایط خوبی به سر می‌ره و تا بازی اول با شیلی تیم در شرایط مطلوبی خواهد بود و در جواب سردبیر که پرسیده بود از اینکه احتمال داره به عنوان اولین بازیکن مربی جام جهانی قهرمان جهان بشید چه حسی دارید، فقط لبخند زده بود. ای عزیز… به خدا اگر چیزی بین سردبیر و سالار باشه جفشنش رو با همین دستام خفه می‌کنم. اولش هر چی فکر کردم چطور بازی اول ما با شیلی خواهد بود سر درنیاورد؛ ما اینکه صصر با رسانه‌ای شدن ناگفته‌های سوسن خانوم که تمام عهده‌های شخصی‌اش از چارلایز ترون رو برای زیر سوال بردن مافیای حاکم بر فوتبال دنیا به کار بسته بود، پرده از راز بزرگی برداشته شد. چطور؟ خوب، شبنم رو در حال پیاده کردن مصاحبه با سوسن خانوم دیدم که چشمش برقی میزد و مطمئن بود برای بولتن به سوزه عالی جور کرده. صدای نوار ضبط‌شده تو خونه طنین‌افکن بود: «هن خودم چند بار تو فیلم فرقه‌کشی دیدم که چارلایز ترون گوی آخر رو عوض کرد. مطمئنم اسن هندوراس رو از جیبش درآورد و خوند.» حالا اینکه سوسن خانوم با اون چشم‌های بالقوری چطور از اون فاصله تو تلویزیون سیاه و سفید ۱۴ اینچی متوجه این حرکت چارلایز ترون شده، بیشتر معجزه به حساب میاد تا افشاگری. به شبنم گفتم بهتره جای تمرکز رو جام جهانی این بهیود معجزه‌آسای بینایی سوسن رو مطرح کنه. ولی خب شور نداره، چه کار کنیم؟ نمی‌دونم این بولتن یا تیتیر «راز جایگزینی هندوراس با تیم محله» از زیرکاس آقا مصطفی بیرون میاد یا نه؛ ولی فکر کنم اگر چاپ بشه تیعات بدی تو محل داشته باشه. دلایلش هم واضح و روشنه. اولین برادرش از این تیتیرینه که خب پس تیم به جام جهانی نرفته. دومین برداشت اینه که پس تمرینات جدی سالار با پچه‌های بدنساز محله برای جام جهانی نیست. سومین برداشت اینه که پس همه سر کار بودیم. و تیعات این تیتیر؛ اولاً باید ببینیم صغری خانوم سسر سالار چه بلای میاره. الان ۱۰ روزه که سالار داره با پولای اسپانسر، رو محل جولان میده و این یعنی اول بدبختی. تازه به کری‌خونی صغری خانوم که هر غروب دم در خونه با زانای محل بساط دارن که فکر می‌کنم، حالم بیشتر خراب میشه. این رنر چندر تونسته بود با یز اسپانسر۱ تیم محل، حال منیره خانوم رو جا بیاره. اخه ایوشن (منیره خانوم) در ۸۴ سالگی مدعی شده که رفقه پیش دوناتللو ورساچه و بهش کفن گوجی سفارش داده. ما که نفهمیدیم ورساچه چه جور می‌خواد کفن گوجی تولید کنه، بگنریم. دوم اینکه باید ببینیم با حکم ساسان سوسل پس کار می‌کنم؛ صبح دیدم برای پیچوندن کفن شورای استیناف (به ماه محرومیت از حضور در تمام اماکن فرهنگی و غیرفرهنگی محل) چادر سرش کرده تا بپونه بره نتوانای واسه ننجونش بربری تازه بخره. سوم باید ببینیم با شور و شوقی که تو اهل محل به واسطه حضور تیمشون در جام جهانی پراشده، چه می‌کنن. باید به راهکاری برای استفاده بهینه از این حس محله‌گرای ارائه داد. وسط فکر کردن صدای گوش‌خراش میلاد ۳۰ سانی که توزیع‌کننده بولتن محله است، من رو از حال خودم بیرون آورد: «سوسن خانوم افشا می‌کند. بشتابید… دسیسه فیفأ… بشتابید. پشت پرده جایگزینی هندوراس با محل… بشتابید…» ای احمق… خدا به دورا همین مونده بود که سوسن خانومم وارد حوزه ورزش بشه. احتمال میدم الان جام جهانی عرصه قدرت‌نمایی سوسن خانومه و می‌خواد این جوری مطرح کنه. نیمه‌ه هیچی رو سسر۱ گرفت و بی‌شک کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است. این تیم محل و داستان جام جهانی شده جولانگاه آدم بزرگای محل و دارن دعوهاشون رو محترمانه به حوزه‌ای می‌کشن که همه اهل محل نسبت به اون حساسیت دارن. نکته‌ش اینه که فعلاً بحث جام جهانی یک حوزه زنونسته و هنوز آقایون تصمیم به خودنمایی در این بخش نگرفتن. فکر کنم اگر به حوزه موضوع بالا بگیره به زودی باید منتظر اتفاقات جدیدی باشیم.

۱۲ پرز پیل

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

نمونه‌هایی برای ترساندن برزیل

مرگ را باور نکن



مرتضی یاسرینیا

جدال «بزرگ‌ترین» با «کوچک‌ترین» بخش زیادی از جذابیت فوتبال را رقم می‌زند. آنجا که طسرف فوق‌العاده ضعیف میدان پس از پشت سر گذاشتن التهاب‌های اولیه بدون ترس جلول غول بزرگ می‌ایستند شگفتی متولد می‌شود. مهم نیست تیم بزرگ‌تر مطابق انتظار ببرد یا برخلاف پیش‌بینی‌ها شکست بخورد. موضوع اصلی فرصتی است که فوتبال به وجود می‌آورد؛ هم‌اوردی تیم در قعر چاه یا قهرمان بی‌چسون و چرای توپ گردد. در ادوار مختلف جام جهانی بارها شاهد نبردی از جنس جدال امروز برزیل و کره شمالی بودیم، البته حساب شکست‌های مصلحتی و تغییرات زمان جداسـت. شکست عمدی آلمان در بازی سوم مرحله گروهی به قصد جلوگیری از نبرد با یک تیم بزرگ در مرحله بعدی شگفتی تلقی نمی‌شود. از طرفی با توجه به قدرت مجارستان در دهه‌های گذشته، برتری این تیم بر برزیل اصلاً عجیب تلقی نمی‌شود.

کولاک امریکا

۱۲ جولای ۱۹۳۰ امریکا بی‌هیچ سابقه مشخصی مقابل بلژیک قرار گرفت و در نهایت تعجب ۳ بر صفر رقیب آن روز خود را در ورزشگاه «پارکسنترال» شکست داد. تیم اروپایی در اولین جام جهانی بهترین فرصت هنرنمایی را از دست داد و تنها ۵۶ سال بعد فرصت جبران را به دست آورد.

اخم هیتلری

آلمان نازی گمان می‌کرد سئونیس خامه روی کیک عصرانه روز چهارم ژوئن ۱۹۳۸ است. اما مردان آلم در جریان بازی حذفی جام جهانی فرانسه پس از کسب یک تساوی ازرقمضند، در رقابت تکراری به برتری ۴ بر ۲ دست یافتند تا آلمان پس از مدت‌ها شکست از سفیدها را هم به کارنامه‌اش بیفزاید. هیتلر روزی روزگاری از اعطای مدال به یک دونده سیاه‌پوست ناراحت شد و این بار بی‌صرانه منتظر کاروان شکست‌خورده آلمان ماند تا دلیل قرار گرفتن پرچم نازی پایین آرام زاده‌های پست را جویا شود.

اولین سکوت

به محض حرف زدن از جام جهانی ۱۹۵۰ همه به یاد آن بازی تاریخی برزیل و اروگوئه، اشتباه وحشتناک باربوسا و قرار شنبانه بازیکنان تیم قهرمان به دلیل ترس از تمسک‌العمل طرفداران میزبان بازده می‌افتند اما اولین سکته در راه قهرمانی برزیل را نه اروگوئه، بلکه سونیس به وجود آورد. مردان فوتبالی کشور صلح‌طلب دنیا در اولین بازی بدون ترس از برخورد با پیش‌بینی‌های اولیه خیلی آسوده‌خاطر به توپ ضربه زدند، اصلاً بازی دفاعی (آنچه در دهه ۵۰ مرسوم نبود) انجام ندادند و سرانجام با تساوی ۲ – ۲ از زمین خارج شدند تا زمان بازی پایانی چهارمین دوره جام جهانی هیچ تیم دیگری بخت مقاومت مقابل مردان سرزمین قهوه را به دست نیاورد. ۲۹ ژوئن ۱۹۵۰ تاریخ کلید دیگری به حساب می‌آید. در رختکن تیم ملی انگلیس به جای صحبت از مسائل تاکتیکی، تمسخر امریکایی‌ها در دستور کار قرار داشت. رسانه‌های گروهی جزیره اسم در نظر گرفته‌شده برای فوتبال را از سوسی اهالی ینگه‌دینگو (ساکر) به جای مباحث فنی مورد بررسی قرار می‌دادند. در این شرایط، خوش‌خیالی کار دست انگلیس‌اکنون‌ها داد. گانشن هفت دقیقه

آزمون سخت پرتغال مقابل فیل‌ها

مرموزها یا به توپ می‌شوند

نهایی یورو ۲۰۰۴ توانست تیم ملی انگلستان را در ضربات پالتسی مغلوب کند این تیم را به خوبی می‌شناسد. کرش به خوبی می‌داند که تیمش حتی در این بازی‌ها حضور داریم می‌خواهیم به بهترین شکل از آن استفاده کنیم.»

رویارویی ساحل عاج با پرتغال در خاک آفریقا دومین رویارویی آنها با یک تیم اروپایی است. آنها تقریباً ۲۷ سال پیش در آبیجان موفق شدند با نتیجه ۱ بر صفر سونیس را شکست دهند. قضاوت این دیدار بر عهده خورخه لاریوندا اروگوئه‌ای است. در جریان رقابت‌های مقدماتی جـام یک بازیکن معمولی برای پرتغالی‌ها بود. علاوه بر تردیدهایی که بر سسر رونالدو وجود دارد پیش از شروع بازی‌ها صحبت‌هایی مبنی بر عدم آمادگی سیمائو ساربوسا وجود داشت. گفته می‌شد این هافبک ۳۰ساله که در طول فصل در ۷۰ بازی اتلتیکو مادرید شرکت داشته، خسته است اما او می‌گوید برای همراهی تیمش در آمادگی کامل به سر می‌برد. او می‌گوید: «ما با قدرت روحمه مضاعف مقابل ساحل عاج به میدان خواهیم رفت. فکر می‌کنم ذقایق ابتدایی بازی مهاجمان فراوانی داشته باشند. این بازی یک بازی تاکتیکی خواهد بود و به اعتقاد من تیمی که در حفظ مالکیت توپ موفق‌تر باشد، پیروز این میدان خواهد شد. ما به

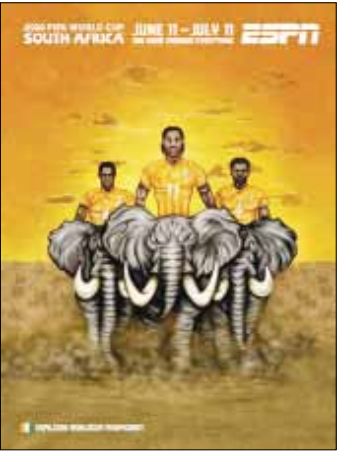


خودمان ایمان داریم. ما در رسیدن به جام جهانی آفریقای جنوبی مشکلات فراوانی داشتیم اما اکنون که در این بازی‌ها حضور داریم می‌خواهیم به بهترین شکل از آن استفاده کنیم.»

رویارویی ساحل عاج با پرتغال در خاک آفریقا دومین رویارویی آنها با یک تیم اروپایی است. آنها تقریباً ۲۷ سال پیش در آبیجان موفق شدند با نتیجه ۱ بر صفر سونیس را شکست دهند. قضاوت این دیدار بر عهده خورخه لاریوندا اروگوئه‌ای است. در جریان رقابت‌های مقدماتی جـام یک بازیکن معمولی برای پرتغالی‌ها بود. علاوه بر تردیدهایی که بر سسر رونالدو وجود دارد پیش از شروع بازی‌ها صحبت‌هایی مبنی بر عدم آمادگی سیمائو ساربوسا وجود داشت. گفته می‌شد این هافبک ۳۰ساله که در طول فصل در ۷۰ بازی اتلتیکو مادرید شرکت داشته، خسته است اما او می‌گوید برای همراهی تیمش در آمادگی کامل به سر می‌برد. او می‌گوید: «ما با قدرت روحمه مضاعف مقابل ساحل عاج به میدان خواهیم رفت. فکر می‌کنم ذقایق ابتدایی بازی مهاجمان فراوانی داشته باشند. این بازی یک بازی تاکتیکی خواهد بود و به اعتقاد من تیمی که در حفظ مالکیت توپ موفق‌تر باشد، پیروز این میدان خواهد شد. ما به



قابل قبولی در این باره ارائه دهند. مایکن دفاع راست برزیل به خبرنگاران گفت: من نه و نه هیچ کدام از بازیکنان پیش از تمرین خبر نداشتم. شاید دونگا می‌خواهد در این چند روز باقیمانده نکات جدیدی به ما گوشزد کند. این سومین بازی است که دونگا تمرین تیم ملی را پشت درهای بسته برگزار می‌کند. فدراسیون فوتبال برزیل ممنوعیت حضور خبرنگاران را به درگیری روزهای اخیر بین دنی آلوژ و باپتیستا مرتبط ندانست. برزیل در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی در خانه مقابل بولیوی، کلمبیا و ونزوئلا به تساوی صفر – صفر دست یافت. این مربی جوان به خوبی می‌داند تیمش در مقابل تیم‌های کاملاً دفاعی به مشکل برمی‌خورد. او احتمالاً مقابل کره شمالی هم که پایین‌ترین رنکینگ را در بین ۳۲ تیم حاضر در جام جهانی به خود اختصاص داده با چنین مشکلی مواجه خواهد شد. از میان تیم‌های حاضر در جام جهانی تعداد اندکی تیم وجود دارند که همانند کره جنوبی تمرینات آمادسازی فـشارده‌ای پشت سر گذاشته باشند. این تیم مرموز چهار ماه متوالی کنار هم تمرین کرده‌اند و اردوهای آمادسازی خود را در کشورهایی چون سریلانکا، آلمان، سوئیس، اتریش،



مکزیک و ونزوئلا برگزار کرده‌اند. آنها در یک دیدار دوستانه عجیب مقابل ونزوئلا در دقیقه ۸۰ بازی پس از آنکه بازی دو ساعت دیرتر شروع شده بود زمین بازی را ترک کردند و گفتند هوا از آنچه آنها فکرش را می‌کرده‌اند گرم‌تر بوده است. تمامی بازیکنان کره به جز سه تن از آنها در کره شمالی بازی می‌کنند به همین دلیل کیم جونگ هان مربی این تیم هم به همین دلیل کره شمالی را برای سـازماندهی درست تیمش را داشته است. آخرین حضور کره شمالی در جام جهانی به سال ۱۹۶۶ بازمی‌گردد؛ در آن جام کره شمالی در این جام تیمی کاملاً آماده از لحاظ فیزیکی است که توانایی به نمایش گذاشتن فوتبالی خوب را دارد. گیلبرت سیلوا هافبک برزیل درباره این بازی می‌گوید: «ما در برابر یک حریف کاملاً دفاعی به میدان خواهیم رفت که مطمئناً مشکلاتی برای ما ایجاد خواهند کرد. این در حالی است که بازی اول همیشه سخت‌تر است چرا که فشار عصبی روی بازیکنان بسیار بالاست.» قضاوت این دیدار بر عهده ویکتور کاسای مجاری خواهد بود.



۵ دی هجری **پهلوه** = ۵



Amir Pouria (amirpouria@gmail.com)

بیزاری از بنز و برزیل

یک: این چه الزام رنج‌آوری است که باید برای آماده شدن و صفحه‌بندی و چاپ و غیره، این یادداشت را عصر دوشنبه بنویسم و شما وقتی آن را بخوانید که بازی دیشب ایتالیا - پاراگوئه برگزار شده؟ شما نمی‌توانید به شیوه فیلم‌هایی که «ماشین زمان» به شخصیت‌هایشان توانایی سفر در بین گذشته و آینده را می‌بخشد، یک سر به یک روز قبل بیاپید؟ نمی‌توانید به من بگوید دیشب آن همه غرغ و نئق همگان درباره پیری تیم امسال مارچلو لیپی بزرگ، بالاخره درست از آب درآمد و تیم عزیزمان را در گام اول به باد داد؟ یا برعکس، ما هم مثل آلمانی‌های مقتدر و به شدت دارای «تنوع سبک» در بازی‌شان، از حالا میخ‌مان را چنان کوبیده‌ایم که همه پذیرفته‌اند باید از مدعیان به حساب آییم؟ فردا همین جا درباره آنچه نیمه‌های دیشب گذشت، با هم گپ خواهیم زد.

دو: امشب به غیر از بازی دو هم‌گروه دیگر ایتالیا یعنی نیولندز و اسلواکی، مسابقات یکی از دو گروه مرگ جام یعنی گروه G شروع می‌شود. بدیهی است گروه مرگ دیگر، گروه E (هلند، دانمارک، ژاپن و کامرون) به شمار می‌رود. اما در مورد گروه G، اتفاقاً من یکی چندان این نکته را که به بسیاری درباره کره شمالی می‌گویند، جدی گرفته‌نی‌دانم. دلیل دشواری بیش از حد این گروه، نمی‌تواند این باشد که به گذشته‌های بسیار دور کره شمالی که در جام ۱۹۶۶ ایتالیا را در گرداب خود غرق کرد، ارجاع بدهیم و بگوییم این تیم هم ممکن است امسال چنین کند. به احتمال قریب به یقین، برزیل همین امشب پذیرایی مفصل و پرگلی از ایشان خواهد کرد و بعد این احتمال شگفتی‌سازی و… هم فراوان‌تر خواهد شد. اما دلیل مهم‌تر، به غیر از هم‌گروه شدن برزیل و پرتغال با نوع فوتبال لاتین شبیه به هم، عظمت نامی ساحل عاج است که از نتایج یکی دو سال اخیرش تا میزبانی آفریقای جنوبی که دیدیم تماشاگرانش برای برد غنا جلوی صربستان چه حنجره‌ای پاره کردند یا مربیگری بزرگ‌مدد باهوئی چون سون گوران اریکسون تا بازیکنانی چون دروگبا و یحیی توره و - به باور من - حتی کالو که می‌توانند از احتمالات حضور در تیم منتخب جام و باز پایان آن محسوب شوند، برای اینکه یکی از دو تیم پرمدعای گروه را کنار بزنند و خودش صعود کند، همه ویژگی‌های لازم را دارد. امشب، بازی ساحل عاج در برابر پرتغال، حکم یکی از شبه‌فینال‌های مرحله اول را خواهد داشت.

سه: همین حالا و پیش از اولین «شوی فوتبالی» برزیلی‌ها، وکتنش است که به سیاق ستون چهار سال پیش «دو نیمه در بهشت» در همین روزنامه، جسارتاً از این تیم بزرگ اعلام برات و بی‌زاری کنم. اینکه پرستاره است، اینکه همچنان از احتمالات اصلی قهرمانی است، اینکه امسال با حسابگری‌های دوگنا نمی‌خواهد آن بی‌گدار به آب زدن قدیمی برزیل کلاسیک را نشان بدهد و اینکه شور فوتبال در رگ‌های مردمانش بیش از خون جریان دارد، هیچ کدام نمی‌توانند مانع این بی‌زاری و تداوم آن شود. نکته در این است که به قول مارچلو لیپی مشخص ما، «همیشه اگر از مردم پرسید چه تیمی قهرمان خواهد شد، من پرتغال را نوع فوتبال لاتین به هم، عظیم‌تر از آن‌ها می‌دانم» و من تردید ندارم که اگر این جمله را روی کاغذ نمی‌خواندیدم و به جایش در مصاحبه‌ای تصویری از خود لیپی می‌شنیدیم، تأکید جمله روی واژه «مردم» بوده؛ و احتمالاً اندکی لحن تحقیرآمیز داشت. «مردم» به معنای عموم و عوام، می‌توانند همان طور فوتبال را مترفاد با برزیل بدانند که مثلاً از ضبط ماشین‌های ۹۰۰رصدشان، ماه‌هاست که فقط صدای ساسی مانکن و تتلو به بیرون می‌خزد، که «آخراجی‌ها» و «چارچنگولی» و «زندگی شیرین» را پرفروش می‌کنند، که برای هر مسابقه تلویزیونی مضحک و زیرموسیقی صف می‌کشند تا در استودیو حضور داشته باشند و با خنده‌ای به پهنای صورت از فرط ذوق، کف بزنند. عصبانی نشوید لطفاً، شما به عنوان برزیلی خاصی که خواننده این روزنامه هم هست، استننا به حساب می‌آیید. آن طیفی که طرفداران برزیل را پرشمار می‌کند، از صادرکنندگان شعار معروف «صنعت نفت، برزیلته» تا گل کوچک‌بازهای محله‌های مرکزی و جنوبی تهران، اغلب از دل همین طبقه فرهنگی برمی‌آید. دوست داشتن برزیل به این عنوان که مظهر و مهد فوتبال است، درست به این می‌ماند که میان اتومبیل‌های باسابقل سطح بالا، بنز انتخاب اول و اصلی آدمی باشد. خب، بله؛ البته که ماشین فوق‌العاده‌ای است. ولی رفتن به سراغ آن، برای نمایش دارایی و ثروت، از سلیقه عامی که باز جسارتاً صفتش را «تازه به دوران‌رسیدی» می‌گذارم، سرچشمه می‌گیرد. نگرشی coolتر، متین‌تر و کمتر متمایل به «تاتولو»بازی، احیاناً بی‌ام‌دلیو را برمی‌گزیند. نگاه عام، همانی است که در زبان عامیانه امروزی ما، وفور و شدت هر پدیده‌ای را با بنز توصیف می‌کند. مثلاً می‌گوید «فلانی مثل بنز غذا می‌خوره» و نمی‌گوید مثل بی‌ام‌دلیو چون بنز می‌تواند به خوبی کلیشه آشکار زیاد بودن، فراوان بودن و گران بودن باشد. درست مثل برزیل که علاقه به آن، به روشنی مصداق کلیشه‌ای بودن است.

چهار: نتیجه تقابل با سلیقه عام را از سال‌ها پیش، از خیلی پیش از آنکه به اتفاق جمعی از دوستانم در هیات‌مدیره انجمن منتقدان سینمایی تند و تیز و غیرمتغفل ۱۰ سال پیش «رزشک زرین» را برای زیر سوال بردن بدترین و کلیشه‌ای‌ترین فیلم سال سینمای ایران اهدا کردیم، می‌دانم. حالا هم متوجه هستم که باید در انتظار ای‌میل‌های عصبانی بسیاری باشم. لطف می‌کنید. باکی نیست. اختلاف سطح و اختلاف سلیقه، همین‌ها را هم دارد.

پایان‌شده

علیرضا خلیپین

تله‌ای به نام دفاع کردن

برزیلی که اصلاً برزیل نیست

وقتی ژولیو سزار در چارچوب دروازه است، مایکون و لوسئو در خط دفاع هستند و دو هافبک دفاعی باموش را جلوی خط دفاع سلکانو می‌بینید، برزیل نه‌تنها با ترس دفاع نمی‌کند، بلکه گاهی ترجیح می‌دهد توپ در اختیار حریف باشد و آنها را جلو بکشدن تا از ضدحمله استفاده کنند. این یک واقعیت است که حتی تیم‌های صاحب فلسفه نیز همیشه با یک استیل ثابت بازی نمی‌کنند و در دوره‌های مختلف، بازیکنانی که در ترکیب قرار می‌گیرند، ناخودآگاه تیم را به فرمی خاص از بازی سوق می‌دهند. برزیل در جام‌های جهانی ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بسیار هجومی و البته ناکام بود اما در ۱۹۹۴ فوتبالی متعادل اجرا کرد و با مهره‌هایی که غیر از روماریو و تا حدودی به تو، ستاره محسوب نمی‌شدند، جام را فتح کرد. در ۱۹۹۸، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ تعداد ستاره‌های برزیل آنقدر زیاد بود که آنها فوتبال تهاجمی و دلخواه‌شان را اجرا می‌کردند و دو بار هم به فینال رسیدند و یک بار قهرمان شدند. این روند اما دوباره به سمت تعادل و حتی فوتبال دفاعی کشیده شده، چه مهره‌های تشکیل‌دهنده برزیل، تیمی متعادل را می‌سازند. دوگنا شاید برای تأکید روی این تعادل بود که رونالدینیو را دعوت نکرد و قید پاتو را هم زد. آنها پس از ناکامی در جام جهانی ۲۰۰۶ از سیستم ۲-۲-۴ که به سرمربی اجازه می‌داد همزمان از چهار ستاره در ترکیب استفاده کند، عقب‌نشینی کرده‌اند و دوگنا این بار می‌خواهد با ۱-۳-۴ و البته با گرایش تدافعی به استقبال مسابقات آفریقای جنوبی برود. بزرگ‌ترین مشکل برزیلی‌ها مصدومیت و افت کار در اواخر فصل اخیر و نوسان روبینیو است که اگر در جام جهانی هم این مسائل ادامه پیدا کند، شانس برزیل برای فتح جام خیلی کم خواهد شد. در گروه برزیل، دو تیم قوی با دو سبک متفاوت حضور دارند؛ پرتغال و ساحل عاج. برزیل به ندرت مقابل حریفان آفریقای به مشکل خورده است. آنها در جام جهانی ۱۹۹۴ کامرون را به راحتی شکست دادند و در ۲۰۰۶ هم غنا را که پدیده‌ای قوی بود، حذف کردند. این بار اما در مرحله گروهی ساحل عاج با اریکسون می‌تواند به گرفتن یک امتیاز از برزیل فکر کند و پرتغال هم در بازی‌های بزرگ، مهره‌های سرنوشت‌سازی مثل نانی و رونالدو و ساپروسا را دارد که می‌توانند نتیجه هر مسابقه‌ای را تغییر دهند. با این حال برزیل مدعی اصلی صعود به عنوان تیم اول گروه هشتم است و جالب اینکه اگر آنها دوم شوند، به احتمال زیاد باید در یک‌هشتم‌نهایی مقابل اسپانیا قرار بگیرند؛ دو مدعی اصلی فتح جام جهانی که تصادف‌شان در همان مراحل اول، مدعیان دیگر مثل انگلیس و آلمان و ایتالیا و فرانسه را خوشحال خواهد کرد. دشاین این یک اتفاق تاریخی باشد که ستاره‌های احتمالی برزیل بیشتر در سازمان دفاعی این تیم جست‌وجو شوند تا در خط حمله اما این اتفاق رخ داده و این بار بیشتر باید به عملکرد سرنوشت‌ساز سزار و لوسئو توجه کنیم تا دربیل‌های روبینیو و ضربات کاکا. برزیل در جام کنفدراسیون‌ها هم نشان داد که به پیروزی با نتیجه یک بر صفر علاقه زیادی پیدا کرده و این گرایش تازه، وظیفه سازمان دفاعی برزیل را سنگین می‌کند. برزیل اگر خوب دفاع کند در هجوم مشکلی را حس نخواهد کرد.

۱۹ گزارشی آخر

گزارشی ملگنی

تقدیر از دکتر دادکان در لانه جاسوسی

سکه را قبول نکرد

«مجمع که منتخب مردم است مرا رئیس فدراسیون کرد. کی مرا برکنار کرد؟» علی‌آبادی که نماینده دولت است، من و همکارانم را برکنار کرد. یعنی مردم من را انتخاب و علی‌آبادی برکنارم کرد. حالا تفاوت من با علی‌آبادی در این است که او با حکم دولت آمد، اما در مجلس که انتخاب مردم است برای وزارت نیرو رای نیاورد.» این آخرین اظهارنظر دادکان در مصاحبه با مجله‌ای بود که چند ماه قبل موفق به مصاحبه با او شده بود. خیلی وقت است از محمد دادکان خبری نیست؛ مردی که به نظر می‌رسد رئیس آینده فوتبال ایران باشد. محمد دادکان این روزها تنها به دانشگاه شهید بهشتی و دفترش می‌رود و اگر خواهد بختی هم درباره فوتبال انجام دهد، تنها پاسخ دانشجویانش را می‌دهد. این روزها حرف زدن با دادکان اصلاً امکان ندارد. نمی‌تواند این روی پیامگیر (لطفاً پیام خود را بگذارید) قرار دارد. دادکان از رسانه‌ها کناره‌گیری کرده و به سکوت فرو رفته است، هر لحظه امکان بازگشت او وجود دارد.

مراسمی بزرگ

هفتمین گردهمایی مذهبی جامعه فوتبال با شرکت گسترده و پرشور جامعه ورزش به میزبانی جمعیت حامیان هواداران فوتبال و تیم‌های ملی در موسسه فرهنگی- ورزشی شهدای دانشجو واقع در لانه جاسوسی آمریکا برگزار شد. در این مراسم معنوی سخنران این مراسم حسن غفوری‌فرد بود که زمانی ریاست سازمان تربیت بدنی را در دست داشت و مطمئناً آشنایی نزدیکی با دادکان دارد. عضو هیات‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی با اظهار تأسف از جای خالی ایران در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی گفت: «دو کره که اکنون در جام جهانی حضور دارند به اندازه یک استان خراسان وسعت ندارند یا بحرین در پلی‌آف حضور داشت. آیا فوتبال کشورمان از این کنشورها عقب‌تر است؟» اینها بخشی از سخنرانی مدیری است که گویا وضعیت فعلی ورزش را نمی‌پسندد. البته غفوری‌فرد با تشکر از

بی‌رحمی نسل جوان ژرمن

شتر

پیش بود که احمدی‌نژاد به محمد علی‌آبادی دستور ویژه‌ای داد؛ «برو فوتبال را درست کن.» سال بعدش احمدی‌نژاد در نطق انتخاباتی‌اش درباره فوتبال گفت: «باید خودم وارد شوم و این حواشی مخرب را از فوتبال کنار بزنم.» علاقه او به فوتبال تمام‌ناشدنی است و حتی این اواخر برای اینکه طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اجرا شود، اعلام کرد: «مثل فوتبال عمل کنید که دست کاپیتان را باز می‌گذارند تا خود تم را آرایش دهد و هدایت کند و از او تنها نتیجه را می‌خواهند» تا نشان دهد چه میزان به فوتبال علاقه‌مند است. این دادکان همان فردی است که اعتقاد دارد «من باید از یک گروه از مسوولان تشکر ویژه بکنم. موظفم از آقای احمدی‌نژاد تشکر کنم، ایشان همیشه نسبت به فوتبال نظر مثبت داشتند.» این مهم‌ترین بخش از مصاحبه محمد دادکان در اول شهریور ۱۳۸۵ پس از برکناری با روزنامه «شرق» است که رئیس برکنارشده از دوستی دیرینه با احمدی‌نژاد می‌گوید. در حقیقت فوتبال در همه این سال‌ها چوب «دولتی» بودنش را خورده است. در این میان محمد دادکان همان مرد اسطوره‌ای فوتبال نیست، کم‌البته چنین فردی در فوتبال ایران یافت نمی‌شود. فوتبال از درون و در زیرساخت‌های فکری و عمرانی دچار اختلال است؛ فوتبالی که توانایی «تولید» ندارد و اهمیتی برای «ساختن» قائل نیست. فوتبال به «ساختاری» محتاج است که نه کفایشان برای آن برنامه‌ای دارد و نه دادکان به آن اهمیت می‌داد. فوتبال به «نگاهی» باید وابسته باشد که بتواند رنسانس «نظری» را تحقق ببخشد؛ موضوعاتی که نه‌برای کفایشان اهمیت داشت نه برای دادکان اهمیت دارد.

توسعه و شکوفایی فوتبال کشور داشته باشید. بدیهی است تلاش‌های ارزشمند شما که بهترین دوران عمر خویش را وقف فوتبال پاک و سالم نموده‌اید، هیچ‌گاه از حافظه فوتبال این کشور محو نخواهد شد و جامعه فوتبال نام نیک شما را همواره به خاطر خواهد سپرد. از خداوند متعال توفیق بیشتر برای شما آرزویندیم.» لیخند رضایت روی لب‌های دادکان مشخص است.

سخنرانی کوتاه

دادکان دوست ندارد حرفی بزند چون می‌داند کوچک‌ترین اظهارنظرش رسانه‌ای خواهد شد. او لوح تقدیر را از استاد احمدی و استاندار خراسان رضوی گرفت اما سکه را قبول نکرد و گفت: «من تشکر می‌کنم از استاندار خراسان اما این سکه را به جمعیت هواداران تقدیم می‌کنم.» او از همه تشکر کرد و با همه هم عکس یادگاری گرفت. نکته جالب این بود که دادکان جای خالی میان مهدی تاج و حسن غفوری‌فرد را برای نشستن انتخاب کرد.

نکته

این دادکان همان فردی است که دوستان نزدیک محمود احمدی‌نژاد نقل می‌کنند که او در جمع خصوصی با دوستان نزدیکش ادبیات جالبی برای درست کردن فوتبال به کار برده بود؛ «مگر خودم بروم و دادکان را بیاروم.» او البته برای درست کردن فوتبال همیشه اشتیاق داشته است، همین دو سال

آلمان بی‌تاب ستاره چهارم



ژرمن‌ها بالاخره جواب داد و اینس تیم چهار گل به حریفش زد.

داوری ضعیف

نکته بازی که بازی آلمان و استرالیا را تحت تاثیر برداخت، داد داوری به نسبت ضعیف این دیدار بود. رودریگز در دادن کارت‌های زرد و قرمز عجله زیادی به خرج داد و شیوه داوری خود را تا حدود زیادی زیر سوال برد. اخراج بی‌مورد کاهیل و نشان دادن کارت زرد به «ووزیل» به خاطر دایوینگ در فاصله ۲۰ متری(!) دروازه عجلو بودن او را در استفاده از کارت‌های رنگی‌اش نشان می‌دهد.

گزارشی پایانی

بازی برابر کامرون است. ژاپن تا به حال (با این بازی) چهار بار به مصاف کامرون رفته و هرگز بازنده نبوده است. سه پیروزی و یک تساوی حاصل کار ژاپنی‌ها بوده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه دروازه ژاپن همچنان در برابر حریف آفریقایی‌اش بسته مانده است.

شوح بازی

با شروع بازی کامرونی‌ها با توجه به خیل بیشتر تماشاگران‌شان توپ و میدان را در دست گرفتند اما این برتری دوام نیتافت و رفته‌رفته این ژاپن بود که رزام امور را در دست گرفت و آهسته‌آهسته به موقعیت‌سازی پرداخت. در نهایت سامورایی‌ها م‌زدب‌ترتری‌شان (حداقل یک کیسو که هوندا روی ارسال از سمت راست با خونسردی خاصی که مختص بازیکنان بزرگ است توپ را کنترل کرد و به راحتی هرچه تمام‌تر آن را تبدیل به گل کرد. در نیمه دوم هم حملات جس‌ته‌گريخته کامرونی‌ها که اوج آنها شوت خطرناک «امپیا» بود، راه به جایی نبرد تا ژاپن با همان تگل‌گل برنده بازی باشد.

از دست داد تا اینکه اخراج «تیم کاهیل» (دقیقه ۵۷) همه نقشه‌های فریبک را نقش بر آب کرد.

تاکتیک و کوچینگ

هر دو تیم آلمان و استرالیا با سیستم ۱-۳-۴ وارد زمین شدند با این تفاوت که سیستم آلمان‌ها بر پایه بازی هجومی طراحی شده بود و سیستم استرالیایی‌ها بیشتر بر پایه سیستم بازی تدافعی. در واقع یوایخم لو به شواپن‌اشتاگیر و خدیرو دو هافبک دفاعی‌اش دستور داده بود در موقع حمله یک خط جلوتر رفته و در فاز هجومی حضور یابند. استراتژی

هم با ورود چنددقیقه‌ای‌اش به زمین تاثیر بسزایی داشت و گل چهارم ژرمن‌ها را به ثمر رساند. (دقیقه ۷۰. چهار بر صفر) در جبهه مقابل «ساکروس»‌ها با این شکست راه صعود به مرحله یک‌هشتم‌نهایی را حسایی برای خود دشوار کردند و در واقع شانس صعودشان را به حداقل رساندند. با این حال در شروع بازی همین استرالیایی‌ها بودند که جرقه بازی پیوتر تروخوفسکی در ترکیب استفاده کند. این بازیکن مستعد روی گل اول بازی تاثیر مستقیم داشت و گل سوم بازی را نیز خود به ثمر رساند. (دقیقه ۶۸. سه بر صفر) البته «کاکانو» بازیکن ۱۳گله اشتوگارت

ناکامی به سبک استرالیا

یوایخم لو حتی اگر گلوزه و پودولسکی را هم در اختیار نداشت باز می‌توانست به دیگر بازیکنان آماده تیمش امیدوار باشد؛ توماس مولر بازیکن فوق‌العاده فصل گذشته بایرن‌مونیخ اینقدر در تمرینات خوب بازی کرده بود که لو تصمیم گرفته بود از او به جای پیوتر تروخوفسکی در ترکیب استفاده کند. این بازیکن مستعد روی گل اول بازی تاثیر مستقیم داشت و گل سوم بازی را نیز خود به ثمر رساند. (دقیقه ۶۸. سه بر صفر) البته «کاکانو» بازیکن ۱۳گله اشتوگارت

بهترین بازیکن میدان

در بین بازیکنان هلند که هیچ‌کدام روز خوب‌شان را سپری نمی‌کردند تنها مارک فن‌بومل بود که تا حدودی میدان‌داری کرد و نظم خط میانی را حفظ کرد. فن‌بومل با جابه‌جایی‌های منظمش نشان داد که همچنان می‌تواند بازیکن قابل اعتماد هلند باشد.

تاکتیک و کوچینگ

برن فرت مارویک با به‌کارگیری مثلث تهاجمی‌اش (فن‌دفارت- کویت- فن‌پرسی) رو به سیستم ۲-۴-۲ سنتی هلندی آورد و با قرار دادن آشنایدر پشت سر این مهاجمان حسابی خط حمله‌شان را تقویت کرد. البته وقتی او متوجه شد که مثلث تهاجمی‌اش چندان هم کارساز نبوده رو به تعویض آورد و «فلاوی» و «الیا» جوان را وارد ترکیب کرد

-

ستاره‌های نارنجی کورسویی بیش نبودند

پیروزی لاله‌ها با خودزنی دانمارکی‌ها

تیم فوتبال هلند به‌رغم نمایش نه‌چندان خوبش توانست در اولین بازی گروه E با دو گل از سد دانمارک بگذرد. نارنجی‌ها این پیروزی را باید مدیون بازی به نسبت قابل قبول‌شان در نیمه دوم باشند. **هلند ۲- دانمارک صفر**
وقتی از هلند به عنوان یکی از مدعیان اصلی فتح جام نام بردی می‌شود انتظار بر این است که این تیم بازی‌های زیبا و تماشاگرپسندانه‌ای به نمایش بگذارند. اما این اتفاق حداقل در بازی برابر دانمارک نیفتاد. تیمی که اکثر قریب به یقین ستاره‌های هجومی فوتبال دنیا را در اختیار دارد فقط به حملات نصفه و نیمه چشم دوخت تا هلند به گل اول نشانی از یک تیم بزرگ نداشته باشد. نکته قابل عرض اینکه دانمارکی‌ها وقتی دیدند هلندی‌ها اقدر هم که گفته می‌شود خطرناک